

مقایسه تأثیر هنر سفالگری چین بر ایران ادوار تیموری و صفوی

دکتر سیدهاشم حسینی*

استادیار باستان‌شناسی و هنر دوران اسلامی، دانشکده علوم انسانی (پردیس نمین)، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۱۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۲/۵)

چکیده:

علیرغم سابقه تأثیرگذاری سفالگری کشور چین بر سفالگری ایران از ابتدای دوران اسلامی، این تأثیرگذاری طی ادوار تیموری و صفوی، بخصوص در زمینه ساخت و تزئین ظروف سلادون و آبی-سفید، نمود ویژه‌ای داشته است. با توجه به اینکه ادوار مزبور در تاریخ هنر ایران ادوار همگونسازی مضامین تزئینی چینی با ذوق و سلیقه ایرانی به شمار می‌روند، بررسی و مقایسه تفاوت‌ها و شباهت‌های تأثیرپذیری هنر سفالگری این ادوار از کشور چین، می‌تواند نقش مهمی در شناخت تغییر و تحولات مضامین تزئینی ایران ایفا نماید. متأسفانه علیرغم اهمیت موضوع، تاکنون تحقیقی جامع در این رابطه صورت نپذیرفته است؛ بدین سبب تحقیق پیش رو این موضوع را مد نظر قرار داده و با مقایسه برخی از ظروف چینی شاخص هر دوره که در ایران تولید شده‌اند، تلاش می‌نماید شناختی دقیق‌تر و کامل‌تر از نوع تأثیر چینی را ارائه نماید. با توجه به یافته‌های تحقیق، تأثیر سفالگری چین بر ادوار تیموری و صفوی بطور یکسان صورت نپذیرفته و با وجود شباهت‌های ظاهری، در بسیاری از زمینه‌های ساخت و تزئین ظروف متفاوت می‌باشد. همچنین این تأثیرپذیری بصورت تقلیدی صرف نبوده و بخصوص در زمینه نقوش تزئینی، آگاهانه و انتخابی توأم با ویژگی‌های ایرانی و اسلامی بوده است.

واژه‌های کلیدی:

هنر سفالگری، کشور چین، دوران تیموری، دوران صفوی، تطبیق و مقایسه.

مقدمه

چینی می‌گفته‌اند (محمد حسن، ۱۳۸۴، ۴۶). در رابطه با تاثیر هنر نگارگری چینی و اهمیت و تاثیر آن در ویژگی های نگارگری ایرانی، هم مطالب و اشارات فراوانی در ادبیات وجود دارد و هم تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه صورت پذیرفته است^۱ اما همواره جای خالی یک تحقیق اختصاصی و جامع در رابطه با میزان نفوذ و تاثیر هنر سفالگری این کشور بر سفالگری دوران اسلامی ایران احساس شده است. در همین راستا، در تحقیق پیش رو، نحوه و ابعاد تاثیرگذاری هنر سفالگری این کشور بر دو دوره تیموری و صفوی به عنوان ادواری که بیشترین تاثیرات را در این زمینه داشته‌اند، مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است.

هرچند که بواسطه ارتباطات مستمر تجاری و فرهنگی از ابتدای دوران اسلامی، تاثیرگذاری سفالگری چین بر سفالگری ایران طی دوره‌های مختلف اسلامی، کم و بیش وجود داشته است اما بنا به دلایلی، تاثیرگذاری واقعی این هنر طی دوره‌های تیموری و صفوی اتفاق افتاد. البته این بدان معنا نیست که این تاثیرگذاری همواره یکسویه بوده، زیرا در چین نیز برخی از کلکسیون‌ها، سفال‌های لعابدار کارگاه‌های ایران را نگهداری می‌کردند (Blair & Bloom, 1994, 543) و سفالگران چینی در بسیاری از موارد از جمله در تزئین سفال آبی-سفید^۲، ایده اولیه را از مسلمانان اخذ کردند.

کشور چین به عنوان بزرگ‌ترین کشور آسیای شرقی دارای سابقه بسیار درخشانی در تکامل علوم، فنون و پیشرفت تمدن بشری است و هنرمندان و صنعتگران چینی طی قرون و اعصار متمادی همواره سهم مهمی در تولید و عرضه صنایع دستی با ارزش و ممتاز داشته‌اند. اما شاید در میان هنرهای مختلف، نام این کشور بیشتر در زمینه هنر سفالگری، مطرح و در سرتاسر جهان شناخته شده باشد. کشور مزبور را می‌توان یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین مراکز سفالگری در دنیا دانست و باید گفت که سفالگران این کشور بخصوص در ساخت ظروف معروف به چینی یا "پرسلین" دارای مهارتی خاص و استثنایی بوده‌اند.

یکی از ویژگی‌های هنر سفالگری دوره اسلامی، تاثیر گسترده سفالگری چینی در پیدایش انواع مختلف سفال‌های این دوره است که به لحاظ ابعاد تاثیرگذاری بعد از هنر نگارگری در رتبه دوم قرار می‌گیرد. میزان این تاثیر به حدی است که برخی از پژوهشگران هنر سفالگری؛ تاریخ سفال اسلامی را به سه دوره تقسیم می‌کنند که هر دوره انگیزه جدیدی را از آخرین نوع سفال‌های وارداتی از کشور چین نشان می‌دهد (Watson, 1987, 304). با بررسی متون ادبی، تاریخی، جغرافیایی و سفرنامه‌های دوران اسلامی متوجه شیفتگی شدید مسلمانان به ظروف چینی می‌شویم. این شیفتگی به حدی بوده که مسلمانان هرگونه ظرف خوش ساخت و زیبا را حتی اگر آن ظرف ساخت کشور چین نبوده،

۱- دوره تیموریان (۹۱۱-۷۷۱ ه.ق.)

این سنت‌ها در کرمان رشد یافت و سفالگران چینی و ایرانی در کنار هم به تولید سفال پرداختند (Fehérvári, 2000, 276). از اواسط این دوره به بعد با حمایت‌های شاهرخ تیموری و وزیر با تدبیرش بایسنقر میرزا، اوضاع سفالگری ایران بهبود و ساخت سفالینه آبی-سفید توسعه یافت (کریمی و کیانی، ۱۳۷۴، ۸۲). باتوجه به برخی از مینیاتورهای قرون هشتم و نهم هجری که حاوی تصاویر سفال و کاشیکاری دوره تیموری است می‌توان حدس زد بسیاری از سفال‌ها و کاشی‌های مزبور مستقیماً از چین وارد شده و بعضی قطعات دیگر تقلید سفالگران ایرانی است که متأسفانه نمونه‌های آنها را به ندرت می‌توان یافت. باتوجه به اینکه بیشترین تاثیرات سفالگری کشور چین در عهد تیموری مربوط به ظروف آبی-سفید می‌شود ابعاد و نمونه‌های این تاثیرات را بطور اختصاصی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۱- ظروف آبی-سفید در دوره تیموریان: همزمان با دوره تیموریان ظروف آبی-سفید چین به جهان اسلام وارد می‌شد و

طی دوره تیموریان، دادوستد با بازرگانان چینی و به تبع آن تاثیر پذیری از هنر چین رونق کامل داشت و بدین لحاظ مرحله خاصی از چینی‌سازی مابین هنر ایران پدید آمد (آژند، ۱۳۸۰، ۲۵). هنر سفالگری در اوایل این دوره، بار دیگر دچار سستی و رکود نسبی شد و در اثر حملات مکرر تیمور و ویرانی بسیاری از مراکز سفالگری، هرگز نتوانست به رشد و بالندگی خود در قرون ششم و هفتم هجری برسد. یکی دیگر از دلایل این رکود، سرازیر شدن کالاهای چینی و ظروف آبی-سفید دوره مینگ (۱۶۴۴-۱۳۶۸ م.) از چین به سوی ایران بود که طی چندین سده تاثیری بسیار منفی در صنایع کاشی، چینی و بدل چینی نهاد. کالاهای مزبور بسیار ارزان وارد می‌شد و همین امر باعث گردید که بیشتر ظروف سفالی و آثار هنری از خانه ثروتمندان و اعیان بیرون رود و جای آنها را کالاهای چینی اشغال کند (کامبخش فرد، ۱۳۸۳، ۴۷۲). در برخی از منابع دوره تیموریان نیز آمده است که در زمان تیمور، برخی از سفالگران چینی به ایران دعوت شدند تا به ایرانیان روش‌های سفالگری کشور چین را آموزش دهند. به نظر می‌رسد

آبی- سفید تولید این شهر، بشقابی در موزه‌آرمیتاژ سن پترزبورگ است که در وسط آن نقش سه گل داوودی با پیچک‌های رها شده وجود دارد و در نوار دایره‌ای دور آن اشعار فارسی آمده و لبه آن نیز با انواع طرح خام موج و صخره‌چینی تزیین شده است (تصویر ۲). این بشقاب از نمونه‌های نادر و قدیمی کتیبه‌دار است که در آن، مکان و تاریخ ساخت در قالب یک بیت شعر بصورت زیر ذکر شده است:
متن کتیبه: "صحنِ سرایِ دیده بشستم ولی چه سود
کین گوشه نیست درخورِ خیلِ خیالِ تو"
"این طبق در مشهد باتمام رسید به تاریخ سنهٔ ۸۷۸".



تصویر ۲- بشقاب آبی- سفید دوره تیموری ساخت مشهد. ماخذ: (موزه‌آرمیتاژ)



تصویر ۱- بشقاب با نقاشی به رنگ سیاه در زیر لعاب فیروزه‌ای ساخت نیشابور. ماخذ: (موزه هنر متروپولیتن)

یکی دیگر از نمونه‌های تقلید از ظروف آبی- سفید چین، کاسه سفالی موجود در موزه متروپولیتن نیویورک با بدنه ای نازک و لطیف است که روی آن تصویریک ازدهای چینی سه پنجه مطابق نمونه‌های چینی آن دوره با بدن بلند به رنگ سیاه، نقش شده و منظره طبیعی آن شامل چند قطعه ابر است که به رنگ آبی ترسیم یافته است (دیماند، ۱۳۸۲، ۱۹۶). هرچند که تاریخ و مکان ساخت این کاسه به درستی مشخص نیست اما طی دوره تیموریان ظروفی از این نوع در اغلب مراکز مهم سفالگری ایران و آسیای مرکزی تولید می‌شدند (تصویر ۳).

همچنین در منطقه ورامین سفال‌هایی مشابه سفال آبی- سفید بدست آمده که تاریخ ساخت آنها قرون هشتم تا دهم هجری تعیین شده است. لازم به ذکر است که روی سفال‌های ورامین علاوه بر رنگ‌های آبی و لاجوردی، لعاب‌های سبز، ارغوانی، فیروزه‌ای و سیاه نیز بکار رفته است. از نمونه‌های احتمالی این ظروف یک بشقاب سفالی بزرگ کم عمق با لبه شیب دار و پایه کوتاه است که با نقوش دورنگ سیاه و فیروزه‌ای در زیر لعاب شفاف و بدون رنگ سرب تزیین شده است (تصویر ۴). در وسط بشقاب مزبور، نقش سه میوه گرد که احتمالاً انار مسبک^۲ یا نوعی از آلو است، با شاخه‌های طراحی شده به سبک چینی دیده می‌شود. این بشقاب نمونه‌ظریفی از گروه بزرگ ظروف خانگی دوره تیموری است که برای عموم مردم یا طبقات پایین تر جامعه تولید می‌شدند. این دسته از ظروف، معمولاً از گل سفال معمولی ساخته می‌شدند و با لعاب سفیدی که بر روی آن تزیین با دو رنگ غالب سیاه و آبی و گاهی چند رنگ انجام می‌گرفت، پوشیده می‌شدند. طرح تزیینی نیز اغلب متشکل از مضامین هندسی و گیاهی ساده بود.

فهروری و رایتلینگر از جمله کسانی هستند که معتقدند این نوع ظروف بدون شک متعلق به قرن ۱۵م. یعنی دوره تیموری‌اند

در سرتاسر این قلمرو از ارزش و اعتبار بالایی برخوردار بود. ظروف مزبور جزء معروف ترین انواع پرسلین محسوب می‌شوند که ساخت آنها در کشور چین از اواخر قرن هشتم هجری در زمان حکومت سلسله یوان (۱۳۶۸-۱۲۷۹م). آغاز شد و در اثر توسعه تجارت با خاورمیانه به ایران نفوذ یافت. به لحاظ مشخصات ساخت و تزیین همانطور که از نام این ظروف برمی آید، دارای تزییناتی از لعاب آبی روشن بر روی زمینه سفید و معمولاً توام با تزیینات قالبگیری شده می‌باشد (اسمیت، ۱۳۸۶، ۸۰-۸۱).

احتمال آن وجود دارد که سفالگران چینی، ایده سبک تزیینی با دو رنگ آبی و سفید را از ظروف با طرح اندازی سیاه رایج در کشورهای خاورمیانه گرفته باشند؛ البته با این تفاوت که آنها رنگ سیاه را حذف کردند. در صورت قبول این احتمال، کشورهای خاورمیانه نیز بعد از اینکه ظروف آبی- سفید زیبای ساخت چین را دیدند، به تدریج حاشیه‌های سیاه را رها کردند (Bernard, 1976, 59).

وجود تصاویر زیادی از این ظروف در نسخه‌های مصور دوره تیموریان و گزارش‌ها و شرح‌هدایایی که دیدار کنندگان از دربار مینگ خواهان آن بوده‌اند، حاکی از علاقه مفرط دربار به ظروف مزبور است. چنین به نظر می‌رسد که زیبایی و بازار داغ این ظروف در ایران، برخی از کارگاه‌های سفالگری را به فکر تولید کالاهای مشابه با متاثر از آنها انداخت. اما سفالگری این دوره بسیار عقب مانده تر از سفالگری کشور چین بود و ظروف آبی- سفید تولیدی در مراکز سفالگری غالباً با گلی خشن و سنگین و لعابی ضخیم و ضمخت و طرح‌های تزیینی تکراری تهیه می‌شد.

معایب مشهود در این ظروف علاوه بر مصالح نامناسب معلول کمبود آگاهی در فنون کوره‌پزی خصوصاً در تعیین درجه حرارت درست برای بدست آوردن رنگ‌های دلخواه بوده است. مهم ترین مشکل، جلوگیری از ذوب شدن و نشست کردن آبی کبالت پیش از موعد مقرر بود که در اثر عدم توانایی در کنترل حرارت کوره حادث می‌شد. در نتیجه حاصل کار سفالگران چیزی جز سفال‌های آبی- سفید یا آبی و سیاه درجه دو و سه نبوده است (بلر و بلوم، ۱۳۸۲، ۱۰۵ و ۱۰۶).

باتوجه به نمونه‌های برجای مانده، شهر نیشابور یکی از مراکز سفالگری دوره تیموری بوده که طی نیمه دوم قرن نهم ه.ق در آنجا ظروف خاصی با تأثیر از ظروف آبی- سفید چین و تلفیق سنت‌های محلی، تولید می‌شد. در این شهر که تا پیش از حمله مغول، به عنوان مرکز تولید انواع سفال پیشینه‌ای طولانی داشت، سفال‌هایی تولید می‌شد که آنها را با رنگ سیاه، زیر لعاب فیروزه‌ای شفاف نقاشی می‌کردند. یک نمونه از این ظروف امروزه در موزه ویکتوریایی لندن نگهداری می‌شود (تصویر ۱). ویژگی تزیینی ظروف مزبور طرح " پیچک چنگ" است که بصورت چندتایی در رنگمایه سیاه و در زمینه نقوش ریز گیاهی ترسیم شده است. بر بدنه خارجی این ظروف نیز نقوش زنجیره‌ای متشکل از طوماری‌های جفت وجود دارد که گاه با نقش برگ‌های گل و گیاه همراه شده است.

شهر مشهد نیز یکی دیگر از مراکز شناخته شده تولید ظروف سفالی دوره تیموری از جمله آبی- سفید است. یک نمونه از ظروف



تصویر ۶- قح آبی- سفید دوره تیموری که احتمالاً در سمرقند ساخته شده است.
ماخذ: (موزه ویکتوریا و آلبرت لندن)



تصویر ۵- بشقاب آبی- سفید دوره تیموری ساخت سمرقند.
ماخذ: (موزه ویکتوریا و آلبرت لندن)

شده، نشان می‌دهد که همه آنها در سراسر منطقه، منشأ واحدی داشته‌اند. کاربرد شن به جای کوارتز، که بخش عمده ترکیب خمیر شیشه‌گری را تشکیل می‌دهد، و وجود مکرر نقش غنچه نوک تیز که خاص چینی آلات آبی- سفید سوری است، نیز حکایت از روش سوری دارد. با فرمان الغ بیگ در ۸۱۴ ه.ق مبنی بر آزادی صنعتگران و دیگران در بازگشت به سرزمین‌های خود (Woods, 1990, 115) این فناوری و گنجینه دانش فنی در دیگر مراکز سفال‌سازی جهان اسلام پخش شد.

نمونه‌های دیگری نیز از سفال‌های آبی- سفید دوره تیموری در شهرهای هرات، خوارزم، سیستان و ساوه تولید می‌شده که با طرح‌های گل و گیاه و در بعضی موارد با نقش پرندگان و حیوانات به رنگ‌های آبی، سیاه مایل به سبز و سیاه در زیر لعاب روشن نقاشی می‌شده است (توحیدی، ۱۳۷۹، ۲۸۳) که متأسفانه موارد قابل استنادی را نمی‌توان در این زمینه ارائه کرد.

اما یکی از نکات جالب توجه در رابطه با تبادلات هنری چین و ایران دوران تیموریان، تاثیرگذاری فرم ظروف فلزی و سنگ یشم دوره تیموریان بر ظروف آبی- سفید کشور چین است. از نمونه‌های این تاثیرگذاری می‌توان به پارچ آبی- سفید ساخت اوایل قرن ۱۵ م. کارگاه‌های "جینگ ده جن" در ایالت جیانگ‌جی واقع در جنوب چین اشاره کرد که در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود (تصویر ۷). علاوه بر دسته‌اژدهایی شکل که البته ریشه در فرهنگ و هنر چین دارد، فرم کلی بدنه کروی و گردن استوانه‌ای شکل بلند این پارچ کاملاً قابل مقایسه با پارچ سنگ یشم سفید رنگ الغ بیگ تیموری است که در یکی از موزه‌های شهر لیسبون نگهداری می‌شود (تصویر ۸). همچنین این فرم را می‌توان در آثار فلزی این دوره از جمله در پارچ فلزی موجود در موزه متروپولیتن نیز مشاهده نمود (تصویر ۹). تزیین مترامک پارچ چینی مزبور نیز مشخصه ظروف آبی- سفید اولیه است که تا اوایل سلسله مینگ تداوم یافت. با این حال مضامین بکار رفته در تزیین این ظرف بخصوص امواج خروشان قست گردن و پیچک‌های گیاهی بدنه، کاملاً چینی هستند.

چنین به نظر می‌رسد که تقاضای بالا و روبه رشد ظروف آبی و سفید در این دوره، سفالگران چینی را تشویق کرد تا ظرفی با الهام از طرح‌ها و اشکال رایج در سرزمین‌های اسلامی و متناسب با فرهنگ مسلمانان تولید کنند. بارزترین نمود این شیوه، کاربرد تزیینات هندسی، انتزاعی و کتیبه‌های عربی و عدم کاربرد تصاویر موجودات زنده بر روی این ظروف در راستای احکام اسلامی بود.

(Fehérvari, 2000, 238-241). ارنست ج. گروپ معتقد است نوع میوه‌های طراحی شده و برگ‌های هلالی این ظرف، اغلب در ظروف سفالی دوره تیموری دیده می‌شود. وی نتیجه می‌گیرد که این نقوش بوضوح آگاهی از شیوه تزیین ظروف آبی- سفید دوره مینگ در قرون ۱۴ م. و اوایل ۱۵ م. را که تا حد زیادی الهام بخش نقاشان سفال‌های اسلامی شد، منعکس می‌کنند. گروپ می‌افزاید که سفالگران تیموری تلاش نکردند تا یک طرح خاص یا یک نوع متمایز از میوه‌ها را به عنوان الگو اتخاذ کنند. ظرافت طرح‌های چینی که نوع میوه‌ها تقریباً بطور واضح قابل تشخیص است، به ندرت در مورد سفالگری تیموری صدق می‌کند. در اغلب موارد مثل طرح تزیینی همین بشقاب، میوه بصورت ساده‌مدور یا گاهی کمی بیضی شکل ارائه شده، در حالیکه با برگ‌هایی از شاخه‌های کوتاه احاطه شده است (209-214 Grube, 2006).



تصویر ۴- بشقاب دوره تیموری ساخته شده به تقلید از ظروف آبی- سفید که احتمالاً در ورامین ساخته شده است
ماخذ: (مجموعه شخصی سیمون ری)



تصویر ۳- کاسه سفالی دوره تیموری که به تقلید از ظروف آبی- سفید ساخته شده اما دارای نقوش قهوه‌ای نیز می‌باشد.
ماخذ: (موزه هنر متروپولیتن)

برخی از ظروف آبی- سفید این دوره نیز در شهر سمرقند و توسط هنرمندان مناطق مختلف فتح شده بدست تیمور ساخته شده است. یک نمونه از این ظروف، بشقاب ساخته شده توسط یک سفالگر دمشق است که احتمالاً به مانند بسیاری از هنرمندان دیگر پس از فتح دمشق به سمرقند منتقل شده است. طرح تزیینی این بشقاب متشکل از یک صخره و گل پیچدار در قسمت وسط و گل و برگ‌های تکراری در بدنه داخلی و لبه می‌باشد و احتمالاً نشانگر یک تقلید صرف از طرح‌های آبی- سفید کشور چین است (تصویر ۵). از نمونه‌های دیگر این ظروف که باتوجه به سبک پیشرفته ساخت و تزیین، احتمالاً در شهر سمرقند ساخته شده، قح آبی- سفید خمیر شیشه‌ای موجود در موزه ویکتوریا و آلبرت است. نقوش این قح نیز از ظروف چینی هم‌دوره اقتباس شده اما برخلاف آنها خشک و غیر طبیعی طراحی شده است. در عوض رنگ آبی نقوش آن نسبت به انواع معاصر چینی، دارای کیفیت مطلوب‌تری می‌باشد (تصویر ۶).

لازم به ذکر است که در سال ۸۰۴ ه.ق تیمور سفالگرانی را از دمشق- که در آنجا بدل‌های مرغوبی از چینی‌های ساخت چین تولید می‌کردند- به شهر سمرقند آورد (کلاویخو، ۱۳۴۴، ۲۸۷ و ۲۸۸). آنان سفالگران سمرقندی را با فناوری خمیر شیشه و نقشمایه‌های دوره حکومت سلسله یوان آشنا کردند. گرچه هیچ کوره‌ای از این دوره در سمرقند یافت نشده است، تجزیه و تحلیل سنگ شناختی ده‌ها شکسته سفالینه‌ای که در ارگ تیموری از زیر زمین بیرون آورده



تصویر ۱۰- قه‌چ چینی آبی و سفید
ساخت چین.
ماخذ: (موزه آستان قدس رضوی)



تصویر ۹- پارچ فلزی تیموری.
ماخذ: (موزه هنر متروپولیتن)

۲- دوره صفویان (۱۱۳۵-۹۰۷ هـ.ق)

طی دوره صفویان نیز ورود ظروف و روش های سفالگری چینی از مرزهای شرقی استمرار یافت. بهبود ناگهانی در کیفیت سفالینه های این دوره، نه فقط حاصل پیشرفت کاملاً تدریجی تقلیدگری های ایرانی از سفالینه چینی آبی- سفید، بلکه معلول نظارت دربار شاه عباس اول بر تمامی فعالیت های هنری پس از انتخاب اصفهان به پایتختی نیز بوده است (سیوری، ۱۳۸۶، ۲۶۸). به مانند بسیاری از دولتمندان و پادشاهان آن روز، جمع آوری ظروف چینی یکی از دلبستگی های شاه عباس را تشکیل می داد. وی برای خود مجموعه هایی از ظروف چینی تشکیل داده بود و آنها را در اتاق های مخصوصی در کاخ عالی قاپوی اصفهان و مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی نگهداری می کرد (رفیعی، ۱۳۷۷، ۸۶).

دسته ای از ظروف چینی ساخته شده در کارگاه های این دوره آنقدر شبیه ظروف چینی اصل بودند که اگر تجار نمی توانستند آنها را از چین تهیه کنند، چینی های ایرانی را خریداری می کردند (Bernard, 1976, 54). این دسته از ظروف به شکل بشقاب های بزرگ و با تزییناتی به رنگ های سفید و کبود و کاملاً مشابه نوع ساخت چین است.

در اوایل این دوره به مانند دوره تیموری تزیین ظروف فقط به اسلوب چینی و بدنه آنها از گل نرم قهوه ای شبیه ظروف سفالین ایرانی نوع کوبچه بود (دیماند، ۱۳۸۳، ۱۹۸). لازم به ذکر است که تعدادی از ظرف های سفالینه مربوط به نیمه اول قرن دهم هجری از شهر کوبچه (واقع در قفقاز جمهوری آذربایجان) یافت شده است که تقلیدی از ظروف چینی آبی- سفید می باشد. تاثیر نقشمایه های تزیینی چین در ظروف کوبچه از روی نقاشی های حاشیه این ظروف بخوبی نمایان است، زیرا برگ های طوماری اسلیمی جای خود را به فلس ها و پولک های موجی و طرح ابرهای چینی داده است (توحیدی، ۱۳۷۹، ۲۸۵) (تصویر ۱۱).

۲-۱- ظروف سلادون^۷: سلادون کلمه ای فرانسوی است که توسط متخصصان اروپایی روی این نوع از ظروف چینی که اغلب به رنگ سبز یشمی کمرنگ طراحی شده اند، گذاشته شده است. در

گاهی کتیبه های اسلامی این ظروف به لحاظ نوشتاری و املائی صحیح نیستند که این مطلب نشان دهنده الگوبرداری ناقص سفالگران چینی از این کتیبه ها می باشد. بنابراین چینیان دست کم در ابتدای امر، ظروف چینی صادراتی خود را برای بازار پرسود کشورهای اسلامی و بخصوص ایران می ساختند. البته نباید این احتمال را نیز نادیده گرفت که ظروف مزبور بوسیله یا برای جمعیت مسلمان ساکن کشور چین ساخته شده باشد.

بیشترین و معروف ترین قطعات این نوع ظروف در کارگاه های "جینگ ده جن" و در زمان امپراتور "جنگ ده" (۲۱-۱۵۰۶ م.) یکی از امپراتوران دوره مینگ در اوایل قرن شانزدهم میلادی ساخته می شدند. چنین گفته شده که امپراتور "جنگ ده" شدیداً تحت تاثیر وزرای مسلمان خود قرار داشته و احتمالاً به دین اسلام گرویده بود و حتی مشهور است که گاهی به طرز مسلمانان نیز لباس می پوشیده است. از مهم ترین مشخصات ظروف با تزیین به سبک اسلامی که در زمان امپراتور "جنگ ده" ساخته شده می توان به کتیبه عربی توام با علامت های شش یا چهار حرفی چینی اشاره کرد که معمولاً بر روی بشقاب ها و کاسه های بزرگ دیده می شود (Hall, 2001). یکی از این ظروف که احتمالاً به عنوان غذاخوری یا سوپ خوری مورد استفاده قرار می گرفته در موزه ظروف آستان قدس رضوی نگهداری می شود (تصویر ۱۰). بر روی بدنه خارجی این ظرف در درون چهار قاب لوزی شکل، جمله: "طعام الحول للشرف لا للسرف" به معنی "غذای طیب و طاهر بخور که برای شرافت است نه برای اسراف کردن"، نوشته شده و حد فاصل این چهار کتیبه، تزیینات زیبایی پیچکهای گل لوتوس یا نیلوفر آبی قرار گرفته است. در کف خارجی ظرف درون دو دایره متداخل، شش حرف چینی با مضمون ساخت در زمان "جنگ ده" مشاهده می شود. در کف داخلی آن نیز در میان یک دایره بزرگ نوشته شده است: "کثیر البرکات" به معنی "نعمت فراوان". همچنین بر لبه بیرونی، یک ردیف نقوش اسلیمی تزیینی به صورت تکراری و بر لبه داخلی یک ردیف نقوش تزیینی دایره ای شکل ترسیم گردیده است. پس از ساخت ظروف آبی- سفید به سبک مطلوب کشورهای اسلامی و استقبال گسترده از این ظروف، بعدها سفالگران "جینگ ده جن" به فکر ساخت ظروفی به سبک کشورهای اروپایی نیز افتادند و کارگاه های "جینگ ده جن" بصورت اختصاصی به تولید ظروف صادراتی پرداختند. بنابراین می توان گفت تفاوت ظروف صادراتی "جینگ ده جن" از لحاظ شکل قالب و سبک هنری با فرآورده های فروش داخلی کشور چین، مطابق سازی آنها با رسوم و سلیقه کشورهای خریدار این ظروف بود.



تصویر ۸- پارچ سنگ یشم سفید رنگ
دوران تیموری.
ماخذ: (واقع در یکی از موزه های شهر
لیسیون)



تصویر ۷- پارچ آبی- سفید ساخت چین
متعلق به اوایل قرن ۱۵ م.
ماخذ: (موزه بریتانیا)

مراکز تولید سفال های آبی- سفید دوره صفوی دائمی نبود و در شهرهای مختلف رایج بوده است. آرتور لین که در این زمینه تحقیقات گسترده ای را به انجام رسانده، شهرهای کرمان، مشهد و یزد را مراکز اصلی ساخت این ظروف می داند (Lane, 1971, 88-101) که کشف نمونه های زیادی از این ظروف با تاریخ و نام سازنده مؤید این نظر می باشد.

نوشته های شاردن سیاح معروف فرانسوی که در قرن هفده میلادی از ایران دیدن کرده، نیز این نظر را تایید می کند زیرا به نوشته او بهترین ظروف سفالی در شهرهای مشهد، کرمان، یزد و شیراز ساخته می شد (دیماند، ۱۳۸۳، ۱۹۹). همچنین کمپانی هند شرقی در ۱۰۹۳ ه. ق، مشهد و کرمان را دو شهری به شمار می آورد که در آنجا بدل های واقعاً ممتازی از چینی های چین تولید می شود (Ibid, 97-8).

در میان مراکز فوق، کمتر نمونه مستند و تاریخ داری را می توان به شهرهای شیراز و یزد منتسب نمود اما نمونه های قابل استناد به مشهد و کرمان به فراوانی موجودند. با توجه به نمونه های برجای مانده می توان گفت بسیاری از این ظروف متعلق به شهر مشهد می باشد که در اواخر قرن نهم هجری از مراکز عمده تولید سفال بشمار می رفت.

شکل ظروف و طرح های تزیینی آبی- سفید مشهد در این دوره شباهت زیادی به ظروف کشور چین دارد اما رنگ آبی بکار رفته در طراحی نقوش نسبت به نمونه های ساخت چین تیره تر است. تزیینات این ظروف شامل طرح های چینی در وسط و نقوش و نمادهای بودایی در درون آن است و گروهی دیگر نیز دارای نقوش نیم برجسته در زمینه آبی یا سفید می باشد. در نمونه ای از ظروف آبی- سفید مشهد مربوط به قرن ده هجری که در موزه طاروق رجب کویت موجود است بیشتر مشخصات تزیینی فوق مشاهده می شود اما به نظر می رسد طرح های اطراف بدنه داخلی، انتزاعی و ساده تر از نوع ساخت چین اجرا شده است (تصویر ۱۴). بنابراین اظهارات آقای "آرتور لین"، سفال مشهد محکم تر و مرغوب تر از تولیدات کرمان بوده است (توحیدی، ۱۳۷۹، ۲۸۷).

ظروف آبی- سفید منسوب به کرمان با طرح هایی چون گل و گیاه به شیوه ظروف آبی- سفید چین ساخته شده ولی در دسته ای از این ظروف طرح های اصلی و برخی نقوش زمینه ها به سبک ایرانی تزیین گردیده است. یکی از تفاوت های عمده ظروف دسته اخیر با نوع ساخت چین و مشهد این است که علاوه بر رنگ آبی از رنگ های دیگری مانند قرمز، قهوه ای و گاهی سبز نیز در کار تزیین استفاده شده است. نمونه ای از این ظروف، بشقابی متعلق به قرن ۱۱ هجری است که در حال حاضر در مجموعه کریستی لندن به حراج گذاشته شده است. طرح تزیینی این ظرف مشتمل بر نقش گلدانی پر گل در وسط و نقوش متراکم گیاهی متشکل از برگ های طوماری درخت تاک و نواری از پالمت های معکوس می باشد که به رنگ های آبی و قهوه ای در بدنه داخلی ترسیم شده است (تصویر ۱۵).

نمونه دیگری از ظروف مزبور قلیانی با نقوش حیوانات، گیاهان و صخره به رنگ های آبی، قهوه ای و سبز بر روی زمینه سفید است که

رابطه با وجه تسمیه سلادون دو نظریه وجود دارد، یکی از نظریه ها قائل بر این است که نام سلادون در قرن ۱۷ میلادی از نقش چوپان سلادون در یک تئاتر فرانسوی اخذ شده که هنرپیشه این نقش، روبان های سبز کمرنگ می پوشیده است. نظریه دیگر ناظر بر اینست که اصطلاح مزبور تغییر شکل یافته نام صلاح الدین ایوبی است که در سال ۱۱۷۱ م. ۴۰ قطعه از این نوع ظروف را برای سلطان نورالدین حاکم سوریه فرستاده است (Krueger, 2009).

به لحاظ سابقه تاریخی، نخستین بار در حدود دوهزار سال قبل از میلاد، تلاش سفالگران چینی در تولید ظروفی مشابه سنگ یشم، که نزد آنان بسیار با ارزش و گران بها بود، به ساخت ظروف سلادون انجامید. این ظروف در کشورهای دیگر، از جمله ایران نیز ارزشمند بود و در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری به مقدار فراوان و عموماً از طریق دریا و بنادر جنوبی مانند سیراف و جزیره کیش از کشور چین وارد شدند.

اما با توجه به وجود امضای فردی به نام "عبدالله" بر روی تعدادی از این نوع سفال ها که از حفاری های باستان شناسی سیراف، کرمان و جزیره کیش کشف شده است، می توان گفت پس از مدتی سفالگران ایرانی نمونه های مشابه را تولید کردند (توحیدی، ۱۳۷۹، ۲۸۷) (تصویر ۱۲). سفالگران ایرانی اگرچه از الگوهای چینی تقلید می کردند، به تدریج ذوق و فن ایرانی را نیز در آن وارد کردند و علاوه بر سلادون هایی مشابه کشور چین، سلادونی خاص ایران نیز پدید آوردند. بخصوص نوعی از سلادون کرمان بصورت چند رنگ و دارای تزیینات رنگی سفید و نقوش قرمز و آبی وجود دارد که در پایان لعابی روشن و شفاف آن را پوشانده است (تصویر ۱۳). در بندرعباس، اصفهان و سلطانیه نیز نمونه هایی از سلادون یافت شده و احتمالاً این شهرها نیز از مراکز تولید این نوع سفال بوده اند (کریمی و کیانی، ۱۳۷۴، ۶۶).



تصویر ۱۲- نمونه ای از بشقابهای سلادون ساخت کرمان در دوره صفوی. ماخذ: (موزه طاروق رجب کویت)



تصویر ۱۱- نمونه ای از سفال های کوباجی صفوی که در تزیینات فلسی لبه آن تاثیر سفالگری چین مشاهده می شود. ماخذ: (مجموعه خصوصی طباق)

۲-۲- ظروف آبی- سفید صفوی: عصر صفوی دوره اوج ترقی ظروف چینی آبی- سفید است بطوریکه ساخت این ظروف زیبا در اشکال متنوع، مشخصه اصلی سفالگری این دوره محسوب می شود. ظروف مزبور اغلب دارای طرح ترکیبی از تزیین چینی و ایرانی و به لحاظ اسلوب و جنس و طرح مختلف اند و گاهی حروف چینی نیز در پشت آنها نقش شده است. بهترین قطعات متعلق به قرون ده و یازده هجری است و در قرن دوازده هجری بتدریج رو به افول رفته است (دیماند، ۱۳۸۳، ۱۹۸).

و آبی- سفید کرمان بدست آمده است که هم اکنون در مجموعه‌های باستان‌شناسی مرکز شرق شناسی شیکاگو و مرکز مطالعات شرق و آفریقای دانشگاه لندن نگهداری می‌شود (Fehérvari, 2000, 277). لازم به ذکر است که بدنه ظروف تولیدی مراکز مشهد و کرمان از خمیر گل نرم و قابل اعتمادی به وجود می‌آمد که ایجاد اشیای بزرگ و سنگین را تضمین می‌کرد (راجرز، ۱۳۷۴، ۲۶۷-۲۶۶).

اما خصوصیات ظروف آبی- سفید شهر یزد با مراکز مشهد و کرمان بخصوص در زمینه رنگ آن متفاوت است. ظروف تولید شده در این شهر دارای خمیره نرم و تزیینات چینی‌های دوره مینگ ولی مرغوب تر از آن است زیرا تزیینات با دو رنگ آبی و آبی مشکی بر روی آن نقش شده است (کامبخش فرد، ۱۳۸۳، ۴۷۳). یک نمونه از ظروفی که احتمالاً در شهر یزد ساخته شده ابریقی است که هم اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. این ابریق خمیر سنگی با درجات مختلفی از رنگمایه آبی بر روی لعاب سفید تزیین شده است. کتیبه‌ای در کلاهدک ابریق تاریخ ساخت را ۱۰۲۵ ه.ق و نام سازنده را "محمد معمار یزدی" بیان می‌کند. تزیینات بدنه گرد ظرف مشتمل بر چهار صحنه با نقوش پرند و آهو می‌باشد که با حاشیه‌ای از برگ‌های لوتوس در بالا و پایین دربرگرفته شده است (تصویر ۱۸).



تصویر ۱۸- قوری چینی آبی- سفید
احتمالاً ساخت یزد به تاریخ ۱۰۲۵ ه.ق.
ماخذ: (موزه بریتانیا)



تصویر ۱۷- نمونه‌ای از ظروف با لعاب
سفید بر روی آبی کرمان.
ماخذ: (موزه بریتانیا)

همچنین طی دوره صفوی سفالگران در تزیین دسته‌ای از ظروف آبی- سفید تغییراتی بوجود آوردند و آنها را با مشخصات هنری این دوره منطبق ساختند که بدین لحاظ می‌توان این دسته را ظروف آبی- سفید با نقوش خالص ایرانی نامید. در همین راستا به جای نقوش صحنه‌ها و مناظر چینی مشتمل بر پرندگان مختلف، آهو، دریاچه، صخره، معابد بودایی، اردها و... که بیشتر در ظروف معروف به "صحن و نیم صحن" مشاهده می‌شود (تصویر ۱۹) از مضامین ایرانی- اسلامی چون مفاهیم نجومی، کتیبه‌های فارسی، نقوش انسانی با مشخصات نژادی و لباسی ایرانی و... استفاده کردند. یکی از نمونه‌های این ظروف بشقاب بزرگ موجود در موزه اسلامی برلین است که در کف آن نقوشی مشتمل بر دوازده علامت منطقه البروج به رنگ آبی مایل به سیاه کبالت بر روی زمینه سفید طراحی شده است. این ظرف که احتمالاً در شمالغرب ایران ساخته شده دارای امضای فردی به نام "عبدالواحد" و تاریخ ۹۷۱ ه.ق می‌باشد (تصویر ۲۰).

در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن نگهداری می‌شود. هر چند بعضی از نقوش کاملاً از طرح‌های چینی الگوبرداری شده اما شیوه خاص طراحی گل‌ها بعلاوه شکل ظرف و تنوع رنگ‌های بکار رفته از ابداعات هنرمندان ایرانی می‌باشد (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۴- کاسه بزرگ آبی- سفید
ساخت مشهد متعلق به قرن ۱۰
هجری.
ماخذ: (موزه طارق رجب)



تصویر ۱۳- بشقاب تقلیدی از سلادن
چینی، کرمان، سده ۱۷ میلادی.
ماخذ: (موزه ویکتوریا و آلبرت لندن)



تصویر ۱۶- نمونه دیگری از ظروف
آبی- سفید قرن ۱۱ هجری شهر کرمان
با نقوش رنگارنگ بر زمینه سفید.
ماخذ: (موزه ویکتوریا و آلبرت لندن)



تصویر ۱۵- بشقاب ساخته شده به
تقلید از ظروف آبی- سفید ساخت
قرن ۱۱ هجری در کرمان.
ماخذ: (مجموعه کریستی لندن)

همچنین در دسته‌ای از ظروف آبی- سفید کرمان که از زیباترین ظروف دوره صفوی محسوب می‌شود، شیوه تزیین و رنگ آمیزی، بالعکس اجرا شده است؛ بدین معنا که نقوش به رنگ سفید را در زمینه آبی کبالتی شفاف طراحی کرده‌اند. این شیوه طراحی که باعث تضاد و نمود بهتر نقوش سفید در زمینه آبی یکدست می‌شود نشان دهنده یکی دیگر از ابتکارات بدیع هنرمندان ایرانی است. تزیین غالب در اینگونه ظروف از شاخه‌های کوچک گل یا گیاه تشکیل می‌شود که گاهی با نقوش هندسی بر پایه طرح رزت ترکیب می‌شود. یک نمونه از این ظروف، بشقابی ساخته شده از خمیر شیشه است، که طرح تزیینی آن فقط دربرگیرنده یک بوته گیاهی با پنج گل مسبک در وسط بشقاب و نقوش حلقه‌های دو تایی به هم پیوسته در قسمت لبه می‌شود. این بشقاب که در قرن یازده هجری ساخته شده هم اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود (تصویر ۱۷).

شبهات تولیدات تقلیدی از ظروف سلادون و آبی- سفید کشور چین در شهر کرمان به نمونه‌های اصلی آنقدر زیاد بوده است که تاجران هلندی اگر نمی‌توانستند آنها را از چین بیاورند، از ایرانی‌ها خریداری می‌کردند (Fehérvari, 1973, 140). در بررسی‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در جنوب شرق شهر رفسنجان (نزدیک نگار و بردسیر) نمونه‌هایی از سفال سلادون

مقدس^{۱۰} نگهداری می‌شود، کتیبه ارمنی روی آنهاست که جزء موارد نادر این دوره محسوب می‌شود. در نمونه مورد بحث، کتیبه نشان دهنده نام نازارت یکی از تجار و بازرگانان معروف عصر صفوی است. سبک تزیین این ظروف نیز در نوع خود جالب توجه است زیرا در کف آن به جای نقوش گیاهی و حیوانی تقلیدی از چین، کتیبه ارمنی ترسیم یافته و نقوش بدنه داخلی نیز بصورت پر پرندگان از لبه تا کف، امتداد یافته است. تنها نشانی که از تاثیر نقوش چینی می‌توان در این ظروف مشاهده کرد مربوط به نقوش فلسی شکل کف ظرف می‌شود که بصورت دایره‌ای عریض اطراف کتیبه را دربر گرفته است.

در بعضی از ظروف تقلیدی آبی - سفید دوره صفوی نیز به جای رنگ آبی، از رنگ های مشکی و خاکستری برای طراحی نقوش استفاده شده است. خمره سفالی موجود در موزه متروپولیتن نیویورک که در اواخر قرن ۱۱ هجری ساخته شده نمونه‌ای از این ظروف است (تصویر ۲۴). در این خمره طرح تزیینی شامل منظره گل و برگدار و شکل طنزآمیز یک کیلین^{۱۱} است که به رنگ سیاه و خاکستری بر روی سفید طراحی شده است. یکی دیگر از ویژگی های جالب توجه خمره مزبور این است که لبه پایینی، لبه بالایی و درپوش آن از فلز برنج ساخته شده است.



تصویر ۲۴ - خمره سفالی تقلیدی از ظروف آبی - سفید که برای طراحی نقوش به جای رنگ آبی از رنگ سیاه استفاده شده است. ماخذ: (موزه متروپولیتن نیویورک)



تصویر ۲۳ - بشقاب آبی - سفید معروف به نازارت ساخت اصفهان در اواخر قرن ۱۶ و اوایل ۱۷م. ماخذ: (مجموعه هزاریان ارمنستان)

از دیگر مشخصات تزیینی ظروف آبی - سفید دوره صفوی این است که گاهی نقوش تزیینی سفال های چینی ادوار مختلف را بصورت ترکیبی با هم بکار برده‌اند. در یک نمونه از این ظروف که متناسب به تبریز است و در موزه هنر متروپولیتن نگهداری می‌شود، مرکز ظرف با نقوش متراکم دو اژدهای به هم پیچیده یکی به رنگ آبی روشن و دیگری به رنگ آبی تیره اما با شکم سفید تزیین شده است. نقوش مزبور توسط یک طرح موجی متحدالمرکز احاطه شده است که خود این صحنه را نیز باندی از گل های لوتوس بهم پیوسته دربر گرفته است. در لبه نیز نقوش صخره و موج چینی و در کف بیرونی علامت منگوله‌ای به تقلید از علامت سلطنتی کشور چین^{۱۲} وجود دارد که در بیشتر ظروف تقلیدی قرن ۱۱ هجری ایران مشاهده می‌شود (تصویر ۲۵).



تصویر ۲۰ - بشقاب بزرگ آبی - سفید با نقش دوازده علامت منطقه البروج متعلق به قرن ۱۰ هجری. ماخذ: (موزه اسلامی برلین)



تصویر ۱۹ - بشقاب بزرگ آبی - سفید با طرح مشهور به صحن و نیم صحن. ماخذ: (موزه طارق رجب)

نمونه‌ای دیگر از این نوع، بشقابی با تصویر طاووس در کف ظرف و در زمینه نقوش پراکنده گیاهی است که به جای نقوش گل‌های لوتوس چینی در بدنه داخلی آن، دو بیت شعر فارسی مشتمل بر دو مصراع از اشعار حافظ با مضمون: ساقی به نور باده برافروز جام ما - مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما، و دو مصراع از شاعری دیگر با مضمون: هر چند که غریب و دردمندیم - یاران همه را نیازمندیم، وجود دارد که هرکدام با یک برگ سیاه‌رنگ از هم جدا شده‌اند (تصویر ۲۱).

در یک کاسه دیگر که نشان دهنده سبک تزیینی ایرانی خالص تری است، نقش مردی زانورده و دارای دستار صفوی در حال نواختن رباب و زنی در حال رقص به رنگهای آبی، فیروزه‌ای، ارغوانی و اخراپی زیر لعاب شفاف بی رنگ طراحی شده است. ویژگی های نقوش مزبور با نقاشی های دیواری کاخ های صفوی شهر اصفهان کاملاً قابل مقایسه می‌باشد. این کاسه که در موزه ویکتوریا و آلبرت نگهداری می‌شود متعلق به نیمه قرن ۱۰ هجری و احتمالاً ساخت منطقه شمال غرب ایران است (تصویر ۲۲).



تصویر ۲۲ - کاسه ساخته شده به تقلید از آبی - سفید با نقوش خالص ایرانی. ماخذ: (موزه ویکتوریا و آلبرت لندن)



تصویر ۲۱ - ظرف بزرگ آبی - سفید با نقش طاووس و چهار مصراع شعر فارسی. ماخذ: (موزه ویکتوریا و آلبرت لندن)

یکی دیگر از مهم ترین مشخصات ساخت ظروف آبی - سفید دوره صفوی، تولید گروهی از ظروف با مشخصات قومی و مذهبی ارمنه جلفا در اصفهان است. یک نمونه از این ظروف، بشقاب معروف به نازارت^{۱۳} در مجموعه هزاریان^{۱۴} می‌باشد که در اواسط دوره صفوی در اصفهان ساخته شده است (تصویر ۲۳). یکی از موارد اهمیت این ظرف به همراه دو ظرف دیگر که یکی در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن و دیگری در کلیسای ارمنی لازاروس

مهم ترین مشخصات ظروف گمبرون که در اشکال مختلف کاسه، پیاله و بخصوص جام های گود با پایه کوتاه یا بلند شبیه شکلات خوری تولید می شد، بدنه تماماً سفید خالص و بدنه نازک شیشه ای است. از جمله تزیینات اغلب این ظروف، مشبک کاری در قسمت لبه می باشد که گاهی با لعاب پر شده است. از دیگر تزیینات که بیشتر در جام های پایه دار دیده می شود، طرح های گل و گیاه مسبک برنگ آبی و سیاه در کف داخلی می باشد که این شیوه تزیینی را به اضافه نقوش مشبک کاری شده و شکل مخصوص ظروف، می توان از ابداعات چینی سازان ایرانی دانست (تصاویر ۲۶ و ۲۷). محدوده زمانی ساخت ظروف گمبرون اواخر قرن یازده تا اوایل قرن سیزده هجری است و با توجه به مشخصات ساخت و تزیین صرفاً جهت صادرات به دیگر کشورها ساخته می شدند زیرا کیفیت آنها از لحاظ رنگ سفید و شفافیت، نسبت به ظروف مشابه مرغوب تر بوده است.

علاوه بر انواع سفالی که در عهد صفویه به تقلید از ظروف چینی کشور چین ساخته شدند، بعضی دیگر از سفال های ایرانی این دوره نیز بودند که فقط تحت تاثیر شکل یا سبک تزیینی ظروف چینی قرار گرفتند. در میان این سفال ها می توان به دسته ای از سفال های زرین فام اشاره کرد که از شکل های بسیار رایج ظروف چینی آبی - سفید الهام گرفته اند. شکل سفال های مزبور دقیقاً از ظروف چینی وارداتی اقتباس شده و شامل کاسه گود، گلدان شاندار با پایه فشرده و بشقاب هایی به شکل های مختلفند (واتسون، ۱۳۸۲، ۲۲۴). نمونه ای از این ظروف، کاسه بزرگی است که در چینی خانه مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی موجود است و دارای نقوش تزیینی گیاهی درخت سرو در کف و گل های مسبک در بدنه داخلی می باشد (تصویر ۲۸).

در کاوش های اخیر جزیره کیش تعداد زیادی ظروف سلادون، آبی - سفید و ظروف تک رنگ در رنگ های زرد و قهوه ای کشف شده است. در کاوش های جزیره هرمز نیز تعداد زیادی از تکه ها و اجزای سفال های آبی - سفید و سلادون یافت شده است که به نیمه قرن دهم هجری و بعد از آن تعلق دارد (Crowe, 2002, 20). با توجه به درصد بیشتر ظروف آبی - سفید مکشوفه از جزیره هرمز نسبت به بندر کیش که تعداد سلادون ها بیشتر است، احتمالاً بندر کیش در اوایل و بندر هرمز از اواسط تا اواخر صفوی به فعالیت در زمینه صادرات و واردات ظروف چینی مشغول بوده اند.



تصویر ۲۶ - نمونه ای از ظروف سفید گمبرون به شکل جام پایه دار.

ماخذ: (موزه ویکتوریا و آلبرت لندن)



تصویر ۲۵ - بشقاب بزرگ آبی - سفید با نقوش چینی ادوار مختلف.

ماخذ: (موزه هنر متروپولیتن لندن)

یکی از شاخص های عمده ظروف آبی - سفید دوره صفوی مربوط به کیفیت رنگ آبی است که بخصوص در قطعات ساخته شده در قرن دوازده هجری بخوبی و خالصی ظروف ساخت چین نیست بلکه تیره و گاهی حتی متمایل به سیاه است و طرح و حدود تصاویر نیز درشت کشیده شده است (دیمان، ۱۳۸۳، ۱۹۹). فقط در موارد معدودی رنگ آبی دارای کیفیتی عالی است و تا حدی ته رنگ ارغوانی دارد که بدین لحاظ شبیه رنگ آبی محمدی^{۱۳} دوره ی مینگ چین است. به لحاظ فرمی، اشکال ظروف آبی - سفید دوره صفوی بسیار متنوع می باشد اما بشقاب های بزرگ، خمزه، بطری، ابریق، پیاله، و کاسه های بزرگ از متداول ترین آنهاست.

طبق نوشته جهانگردان اروپایی، ظروف آبی - سفید این دوره به کشورهای اروپایی و آفریقای شرقی صادر می شده است. بر طبق گفته شاردن، در بازارهای اروپا، چینی های ساخت ایران، به نام محصول چین به فروش می رسیده است (بهرامی، ۱۳۲۷، ۷). که این مطلب نشان دهنده شباهت بسیار زیاد ظروف صادراتی ساخت ایران به نمونه های ساخت چین آن زمان می باشد.

خاطر نشان می سازد که ظروف آبی و سفید ساخت کشور چین بیشتر به عنوان هدایای امپراتوران چینی دوره مینگ وارد ایران شده و به نظر می رسد مصرف داخلی نداشته و صرفاً به عنوان ظروف درباری و وقفی در آستان مقدس رضوی و بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی مورد استفاده قرار می گرفتند. با توجه به اینکه تعدادی از این ظروف دارای نشان دو تن از سلاطین سلسله "مینگ" به نام های چیاچینگ^{۱۴} (۱۵۶۶-۱۵۲۲ م.) و وان - لی^{۱۵} (۱۵۷۲-۱۵۶۷ م.) است و از سوی دیگر هنگامی که شاه عباس موقوفه خود به آستانه اردبیل را برقرار کرد، مصادف با دوران حکومت وان - لی بود، احتمالاً این ظروف در زمان امپراتور وان لی به شاه عباس هدیه شده است.

۲-۳ - ظروف سفید گمبرون^{۱۶}: گمبرون نامی است که اروپائیان به این نوع پرسلین که معمولاً به رنگ سفید خالص و بدنه نازک می باشد، اطلاق نموده اند. در سال ۱۶۹۸ م. یک فیزیكدان انگلیسی به نام مارتین لیستر^{۱۷} (۱۷۱۲-۱۶۳۹ م.) طی دیدار خود از ایران، گروهی از ظروف ایرانی را تحت عنوان سفید نازک و شیشه مانند توصیف و آنها را به بندر گمبرون (بندر عباس) منتسب نمود. از آن پس گمبرون مرجعی اروپایی برای نام مهم ترین بندر تجاری ایران در خلیج فارس و این دسته از ظروف بود. شرکت انگلیسی و هلندی هند شرقی در دهه ۱۷۵۰ م. تعداد زیادی از این ظروف را از طریق بندر گمبرون به اروپا صادر می کرد. چنین به نظر می رسد که نمونه هایی از این ظروف که با عنوان پرسلین سفید ایرانی توصیف شده اند، در کاخ های پادشاهان اروپایی معاصر با دوره صفوی از جمله فیلیپ دی ارلئان^{۱۸} پادشاه فرانسه (۱۷۲۳-۱۶۷۴ م.) نیز موجود بوده است (Watson, 2004, 478).



تصویر ۲۸- نمونه‌ای از ظروف
زرین فام دوره صفوی که بدنه و
طرح‌هایی مشابه سفال‌های
آبی- سفید این دوره دارد.
ماخذ: (بقعه شیخ صفی‌الدین
اردبیلی)



تصویر ۲۷- نمونه دیگری از
ظروف سفید گمبرون به شکل
کاسه.
ماخذ: (موزه طارق رجب کویت)

نتیجه

از جمله تفاوت‌های مشهود دیگر در ظروف چینی ادوار تیموری و صفوی این است که در آبی- سفید صفوی، هم زمینه سفید و هم نقوش آبی رنگ، نسبت به ظروف دوره تیموری شفاف‌تر و پر رنگ‌تر است. این در حالی است که زمینه ظروف آبی- سفید تیموری اغلب متمایل به کرمی و غیر شفاف و نقوش آبی کم‌رنگ و لعاب‌آلود آنها نیز ترک‌خورده می‌باشد. طی دوران صفوی مراکز چینی‌سازی در اغلب نقاط ایران بخصوص نقاط شرقی، مرکزی و جنوبی اقدام به تولید ظروف می‌کردند که مهم‌ترین آنها عبارتند از مشهد، کرمان، یزد و اصفهان. در حالی که در دوره تیموری عمده مراکز در نواحی شرقی قرار داشت که شامل شهرهای سمرقند، نیشابور، مشهد و احتمالاً ورامین بود. اما مهم‌ترین تحول ظروف چینی دوره صفوی نسبت به تیموری مربوط به نقوش تزیینی است. در دوره تیموری اغلب زمینه تزیین خلوت و شامل چند گل و برگ درشت است در حالی که در دوره صفوی نقوش اغلب متراکم است. تنوع طرح و رنگ نیز در ظروف صفوی بیشتر است از جمله نقوش مربوط به علم نجوم که در هنرهای سفالگری و فلزکاری ایران دارای سابقه طولانی است، جایگزین نقوش کشور چین می‌شود.

در دوره تیموری در قسمت لبه از تزیینات کتیبه‌ای استفاده شده در حالی که این روش در ظروف صفوی ادامه نمی‌یابد و کتیبه‌ها صرفاً جنبه ثبت تاریخ ساخت و نام سازنده را دارد به همین سبب بیشتر در کف بیرونی ظروف درج می‌گردد. در دوره تیموری صرفاً از نقوش گیاهی و کتیبه (به استثنای نقش مسبک اژدها) برای تزیین استفاده شده در حالی که در ظروف صفوی نقوش انسانی و حیوانی نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند که نقوش انسانی این ظروف مربوط به صحنه‌های عاشقانه با مشخصات نژادی و لباسی ایرانی می‌شود. از دیگر تفاوت‌های ظروف دوره تیموری و صفوی می‌توان به پختگی اجرای طرح‌ها و همچنین بهبود فوق‌العاده رنگ بندی ظروف در دوره صفوی اشاره کرد. سبک‌های تزیین ظروف چینی تولیدی در ایران دوره صفوی را نیز می‌توان به چهار دسته کلی کاملاً چینی، تلفیقی چینی و ایرانی، کاملاً ایرانی و نیز سبک ارامنه تقسیم کرد. سبک

در جمع بندی مطالب گفته شده مشخص می‌شود که بیشترین تاثیر هنر سفالگری کشور چین بر ادوار تیموری و صفوی در زمینه ظروف آبی- سفید صورت گرفته است؛ بطوریکه نوع تزیین، نوع مضمون و نوع شکل این ظروف طی ادوار مزبور مورد تقلید واقع شده است. با توجه به نمونه‌های برجای مانده، تنوع سفال‌های تقلیدی از چین در دوره صفوی نسبت به دوره تیموری بیشتر است؛ بطوریکه در دوره تیموری صرفاً تلاش‌هایی برای ساخت ظروف آبی- سفید صورت گرفته اما طی دوران صفوی علاوه بر این ظروف، سلادون و ظروف گمبرون نیز ساخته می‌شد. با وجود رواج ظروف سلادون در دوره تیموری تلاش خاصی برای ساخت نمونه‌های تقلیدی از آنها در ایران صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد شاهان این دوره بیشتر ترجیح می‌دادند از ظروف سنگ یشم استفاده کنند که به اعتقاد آنها دارای خواص ضد سمی ویژه‌ای بود. البته یکی دیگر از دلایل تنوع بیشتر ظروف چینی در دوران صفوی، اهداف اقتصادی و صادراتی بوده است، در صورتیکه در دوران تیموری تولید این ظروف فقط جنبه مصرف داخلی داشته است. احتمالاً تزیین دسته‌ای از ظروف آبی- سفید صفوی با نقوش خالص کشور چین نیز ریشه در اهداف صادراتی این ظروف داشته است. هم‌زمان با دوره صفوی ظروف چینی ساخت کشور چین دارای بازار خرید بسیار خوبی در کشورهای دیگر بود و از طریق صادرات این کالا، در طول جاده ابریشم و مسیرهای دریایی، سود سرشاری عاید دولت چین می‌شد؛ لذا ساخت ظروف کاملاً مشابه و قابل رقابت با آنها برای صادرات به سایر کشورها، بخصوص کشورهای اروپایی که به لحاظ مسافت به ایران نزدیک‌تر بودند، ایده‌ای وسوسه‌انگیز برای شاهان صفوی و بخصوص شاه عباس اول محسوب می‌شد. کشف مقادیر معتناهی از ظروف چینی آبی- سفید و سلادون با امضای هنرمندان ایرانی در بنادر جنوبی ایران مانند هرمز و سیراف تایید کننده این ادعا می‌باشد. بنابراین اهداف اقتصادی در زمینه صادرات ظروف چینی در دوران صفویان مهم‌ترین عامل الگوبرداری از سفالگری کشور چین نیز محسوب می‌شود.

و... افزوده می‌شود. همچنین در تیموری فرم‌ها بیشتر در ابعاد بزرگ ساخته شده اما در صفوی ابعاد کوچک تر می‌شود. در پایان یادآوری می‌شود که تاثیرپذیری هنرمندان سفالگر ایرانی ادوار تیموری و صفوی بصورت تقلید صرف نبوده بلکه ابداعات منحصر به فردی نیز به آن افزوده‌اند تا ظروف چینی این دوره از روحی ایرانی و اسلامی نیز برخوردار گردد.

چینی برای صادرات به کشورهای اروپایی، سبک تلفیقی چینی و ایرانی به اضافه سبک خالص ایرانی برای مصارف عامه مردم مسلمان و سبک اقلیت مذهبی ارمنه نیز برای جمعیت ارمنه ساکن جلفای اصفهان ساخته می‌شده است. به لحاظ فرمی نیز، فرم ظروف در دوره تیموری اغلب شامل قح، کاسه و بشقاب می‌شود اما در صفوی انواع مختلف ظروف از جمله قلیان، تنگ، صراحی

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ رجوع شود به پرویز مرزبان، خلاصه تاریخ هنر، چاپ یازدهم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳. و بازیل گری، نقاشی ایران، ترجمه عربعلی شروه، تهران، عصر جدید، ۱۳۶۹. و ایرج افشار، خطای نامه، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، تهران، ۱۳۷۲. نیز یعقوب آژند، تاثیر عناصر و نقشمایه‌های چینی در هنر ایران، مجله هنرهای زیبا، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، شماره ۹.
- ۲ Ching- pai ware or Blue and white ware.
- ۳ مسبک یا سبکدار واژه معادل برای اصطلاح لاتین استیلیزه (Stylized) است (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۷۶، ۱۰۱) و بنابراین منظور از نقش مسبک، نقش روشمند شده یا طراحی شده به سبک یا روشی خاص می‌باشد.
- ۴ Jingdezhen.
- ۵ Zhengde.
- ۶ Kubachi.
- ۷ Celadon.
- ۸ Nazaret.
- ۹ Hazarian.
- ۱۰ St. Lazarus Armenian catholic.
- ۱۱ کیلین (Kilin) یا خین لی: این حیوان افسانه‌ای در اساطیر چین موجودی فرخنده، خوش یمن و خوش اقبال است که در اشکال متفاوتی ظاهر می‌شود. گاهی قسمتی از یک اسب، یک گرگ و یا اژدها می‌باشد اما اغلب سری همانند شیر دارد و بر پیشانی آن یک شاخ روییده است (محمد حسن، ۱۳۸۴، ۶۴).
- ۱۲ Nien-hao.
- ۱۳ آبی محمدی (Mohammedian blue) لاجوردی تیره‌ای که به نقش می‌زند.
- ۱۴ chia-ching.
- ۱۵ wan - li.
- ۱۶ Gombroon wares.
- ۱۷ Martin Lister.
- ۱۸ Philippe d'Orléans.

فهرست منابع:

- آژند، یعقوب (۱۳۸۰)، تاثیر عناصر و نقشمایه‌های چینی در هنر ایران، مجله هنرهای زیبا، شماره ۹، صص ۲۱-۲۹.
- اسمیت، ادوارد لوسی (۱۳۸۶)، فرهنگ اصطلاحات هنری، ترجمه فرهاد گشایش، انتشارات مارلیک، تهران.
- افشار، ایرج (۱۳۷۲)، خطای نامه، انتشارات مرکز اسناد فرهنگی آسیا، تهران.
- بلر، شیلا و بلوم، جانانان (۱۳۸۲)، هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی، جلد اول، ترجمه محمد موسی هاشمی گلپایگانی، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- بهرامی، مهدی (۱۳۲۷)، صنایع ایران، ظروف سفالین، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- توحیدی، فایق (۱۳۷۹)، فن و هنر سفالگری، انتشارات سمت، تهران.
- دیماند، موریس اسون (۱۳۸۳)، راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- راجرز، ام. (۱۳۷۴)، هنرهای ایران (سفالگری)، زیر نظر ر. دلبیو. فریه، ترجمه پرویز مرزبان، نشر فرزانه روز، تهران.
- رفیعی، لیلیا (۱۳۷۷)، سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر، انتشارات یساولی، تهران.

سیوری، راجر (۱۳۷۲)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، نشر مرکز، تهران.
 کامبخش فرد، سیف‌الله (۱۳۸۳)، سفال و سفالگری در ایران (از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر)، چاپ دوم، انتشارات ققنوس، تهران.
 کلاویخو، روی گونثالث (۱۳۴۴)، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران.
 محمد حسن، زکی (۱۳۸۴)، چین و هنرهای اسلامی، ترجمه غلامرضا تهامی، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
 ملک شه‌میرزادی، صادق (۱۳۷۶)، واژه‌نامه باستان‌شناسی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
 واتسون، الیور (۱۳۸۲)، سفال زرین فام ایرانی، ترجمه شکوه ذاکری، انتشارات سروش، تهران.

- Bernard, Lewis (1976), *The World of Islam*, Thames and Hudson Ltd, London.
 Blair, Sheila. Bloom, Jonathan (1994), *The Art and Architecture of Islam 1250-1800*, New Haven and London, Yale University Press, London.
 Crowe, Yolande (2002), *Persia and China: Safavid Blue and White Ceramics in the Victoria and Albert Museum (1501- 1738)*, London.
 Fehérvári, Géza (2000), *Ceramics of the Islamic World in the Tareq Rajab Museum*, Kuwait.
 Fehérvári, Géza (1973), *Islamic pottery: a comprehensive study based on the Barlow collection*, London.
 Grube, Ernst J. (2006), "Pomegranates, Lychees or Loquats: An Offering of Timurid-Chinese Fruits", in Patricia L. Baker and Barbara Brend (eds.), *Sifting Sands, Reading Signs*.
 Hall, Harrison (2001), *Ming ceramics*, The British Museum Press, London.
 Krueger, Dennis (2009), *Why On Earth Do They Call It Throwing? An investigation into the origin of words*, Address of internet site: www.ceramicstoday.com/articles/why_throwing.htm
 Lane, Arthur (1971), *Later Islamic Pottery*, 2nd edn, London.
 Watson, Oliver (1987), "Islamic Pots in Chinese Style," *Burlington Magazine* 129.
 Watson, Oliver (2004), *Ceramics from Islamic Lands*, London.
 Woods, J.E (1990), "Timur's genealogy", in *Intellectual studies on Islam: essays written in honor of Martin B. Dickson*, ed. Michel M. Mazzaoui and Vera B. Moreen, Salt Lake City, Utah.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی